



آیا مدرنیته و سکولاریسم ملازم هم هستند

یک استاد دانشگاه تبریز گفت: ایزوله کردن دین در حیات فردی نه امکان پذیر است و نه دین راستین چنین چیزی را می خواهد.

یک استاد دانشگاه تبریز گفت: ایزوله کردن دین در حیات فردی نه امکان پذیر است و نه دین راستین چنین چیزی را می خواهد. برای اینکه انسان موجودی فردی نیست و وجود مدنی است. دکتر حسن فتحی استاد فلسفه دانشگاه تبریز در مورد اینکه برخی متفکران مکتب نوسازی (مدرنیزاسیون) معتقد هستند که سکولاریسم و مدرنیته دست در دست همدیگر دارند و با یکدیگر پیوند دارند این در حالی است که تجربه مدرنیزاسیون در برخی کشورها حتما ملازم با سکولاریسم نبوده است آیا باورهای دینی و مذهبی مردم یک جامعه مانعی برای مدرنیزاسیون محسوب می شود به خبرنگار مهر گفت: در اینجا در خصوص هردو لفظ سکولاریسم و مدرنیسم شاهد نوعی تنوع در معنا هستیم. هردو اصطلاح در بستر تاریخ تفکر و حیات مدنی غرب شکل گرفته است و در این بستر مدرنیته یعنی حیات جدید و نگرش متجددمآبانه با سکولاریسم ارتباط دارد. ارتباط از این جهت است که سکولاریسم وجهی از وجوه مختلف مدرنیسم است.

وی افزود: به دلیل اینکه تجدد دنبال رنسانس و محصول نوعی واکنش در برابر دوره مدرسی یا به طور عامتر قرون وسطایی و دوره ای که وجه غالبش سلطه فرهنگی دینی در تمام شئون حیات فردی و اجتماعی بوده است در این زمینه یک بحث تجدد این است که مرجعیت دینی کنار گذاشته شود و دست کم دین از حیات اجتماعی یا بهتر بگوییم از حیات سیاسی کنار گذاشته شود. به این معنا که حکومت نه به نام دین و نه به نفع صلاح و رستگاری بلکه برای تنظیم امور و در خدمت مردم برای تأمین امنیت، رفاه و سلامت مردم باشد و فعالیت دینی، کمک دینی به دیگران انتخاب زندگی دینی یا غیر دینی بر عهده خود افراد گذاشته شود.

این استاد گروه فلسفه دانشگاه تبریز اظهار داشت: به عبارت دیگر دین از حلقه سیاسی کنار برود و دین یک وجه یا رویکرد فردی داشته باشد و سیاست یک رویکرد جمعی دارد. لذا یک تعریف از سکولاریسم در غرب را می شود به این صورت خلاصه وار تعریف کرد. از این جهت تجدد با سکولاریسم تجانس دارد. یعنی سکولاریسم بخشی از تجدد است.

این محقق و نویسنده تصریح کرد: وقتی یک پدیده از این دست و اطلاعات و واژگان از این دست از تاریخ و جغرافیای خودشان برکنده شوند و به جای دیگری بروند طبیعی است که تأویل ها و تعبیرهای خودشان را داشته باشند. ممکن است یک عده عین همان را بخواهند که اینجا تکرار شود ولی یک عده کاملاً با آن مخالفت کنند. اما چیزی که هست این است که تقلید را باید از دیگران قرض گرفت و از سوی دیگر نباید خود را فراموش کرد.

فتحی یادآور شد: بنابراین هم سکولاریسم و هم تجدد وقتی به جایی دیگر بروند رویکرد موفق آن این خواهد بود که بومی شوند و بر اساس آنچه که تاریخ و سنت و گذشته و امروز آنجا را تشکیل می دهند ایفای نقش بکند و در این راستا حتماً آنچه که اسلام و مسیحیت دارد با هم فرق دارد. آنچه که کلیسا در قرون وسطی کرده است و آنچه در جهان اسلام با نام اسلام یا با نام حکومت یا سلطنت رخ داده است فرق دارد. باید این تفاوت ها دیده شوند و آن ضرورتی که سکولاریسم را به عنوان یک راه حل برای غرب پیش آورده است از وجهی راه حل تمام نیست و نقص های خود را دارد. باید آن وجه دیده شود و از آن درس گرفته شود. آن وجه این است که وقتی حکومتی توسعه طلب باشد و وقتی توسعه طلبی به نام دین و با حمایت دینی صورت گیرد زیان آن از سلطه طلبی که ادعای دینی ندارد بیشتر است و برای اینکه از ضرر و زیان آن پرهیز شود باید دین کاری به سیاست نداشته باشد.

فتحی عنوان کرد: ایزوله کردن دین در حیات فردی نه امکان پذیر است و نه دین راستین چنین چیزی را می خواهد. برای اینکه انسان موجودی فردی نیست و وجود مدنی است. بنابراین شأنی از شئون حیات مدنی هم است.